



فعالیت‌های تجاری در فضای ماورای جو توسط بخش خصوصی از منظر حقوق فضا

مرتضی صادقی^۱
لیلا رئیسی^۲

تاریخ دریافت مقاله: ۹۶/۰۹/۲۸ تاریخ پذیرش نهایی: ۹۷/۰۲/۲۲

چکیده

یکی از فعالیت‌هایی که از آغاز دسترسی به فضای ماورای جو تاکنون برای بشر مد نظر بوده بحث بهره‌برداری و استفاده‌ی تجاری از این منطقه بوده است. از نظر حقوقی و براساس معاهدات مربوط به فضا، فضای ماورای جو میراث مشترک بشریت به شمار رفته و یکی از اصول اساسی حاکم بر این منطقه اصل عدم تملک و مالکیت خصوصی می‌باشد. ورود انگیزه‌های تجاری به حیطه‌ی فعالیت‌های فضایی موجب شد که حقوقدانان دامنه‌ی معاهدات فضایی دولت‌محور را به حوزه‌ی فعالیت‌های تجاری و حضور اشخاص خصوصی در فعالیت‌های فضایی نیز سرایت دهند. این جریان همچنین منجر شد تا حقوق‌دانان در صدد تعریف و تشریح مجدد مفاهیم و اصول حقوق فضا بپردازند. با این وصف سؤالی که مطرح می‌شود این است که رویکرد نظام حقوقی ماورای جو و معاهدات مرتبط به آن، درخصوص فعالیت تجاری و بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو و اجرام سماوی به وسیله‌ی بخش خصوصی چگونه است؟ پاسخ ابتدایی که به این پرسش بر اساس مطالعات کتابخانه‌ای و به روش توصیفی تحلیلی داده می‌شود این است که: مقررات فضایی، فعالیت تجاری و بهره‌برداری تجاری توسط بخش خصوصی را مستقیماً پیش‌بینی نکرده بلکه به صورت ضمنی و البته با تخصیص محدودیت‌هایی، این امر را پذیرفته‌اند.

کلید واژه‌ها

فضای ماورای جو، فعالیت‌های تجاری، بهره‌برداری تجاری، حقوق فضا، بخش خصوصی

^۱ دانشجوی دکتری رشته حقوق بین‌الملل عمومی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران.

^۲ دانشیار گروه حقوق بین‌الملل دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران. نویسنده مسئول:

مقدمه

کنجکاوی بشر برای دستیابی به دنیای ناشناخته خود باعث شده تا بتواند به فضا و فضای ماورای جو دسترسی پیدا کند. امروزه بشر توانسته است به اقمار و سیاره‌های مختلف مسافرت بکند. هر کدام از این دنیاهای جدید دارای مزیت‌های خاص خود برای بشر می‌باشد. به طور مسلم مزیت‌های فضا بر هیچ کس پوشیده نیست. امروزه فضا به عنوان مجرای برای ارتباطات جهانی، انتقال داده‌ها، فعالیت‌های دریانوردی و نظامی مورد استفاده قرار می‌گیرد. حتی رفاه اقتصادی و امنیتی بسیاری از ملت‌ها تا حد زیادی به فضا وابسته شده است. بنابراین خود این مقوله نیازمند تدوین یک نظام حقوقی می‌باشد. در این راستا کشورها و سازمان‌های بین‌المللی - عمدتاً سازمان ملل متحد - در تشکیل و تدوین این نظام تلاش‌های مهمی را انجام داده‌اند به گونه‌ای که امروزه می‌توان از حقوق بین‌الملل فضا سخن به میان آورد (صادقی، ۱۳۹۶: ۲۶). در این میان یکی از مسایلی که از ابتدا مطرح شده است بحث استفاده مسالمت‌آمیز از فضا و فضای ماورای جو بوده است و بدون تردید، هر چند اهداف و انگیزه‌های علمی به طور مسلم بخش مهمی از بهره‌برداری از فضا می‌باشند اما این اهداف و انگیزه‌های تجاری بوده است که در کنار اهداف و انگیزه‌های علمی و نظامی سبب توسعه فناوری لازم برای ایجاد دسترسی به فضا شده‌اند (همان).

امروزه اعضای جامعه بین‌المللی به ویژه قدرت‌های فضایی فضایی حضور فضایی بیشتر در این زمینه را حفظ کرده‌اند. پیشرفت در فناوری‌ها، قابلیت دسترسی بیشتر به خدمات پرتاب فضا را در دسترس بسیاری از کشورها قرار داده است. حتی کشورهایی که فاقد فناوری و منابع برای دسترسی به فضا بوده‌اند خودشان با اتکال بر فناوری فضایی، خرید از دیگران و غیره قادر به حمایت از فعالیت‌های بهره‌برداری مسالمت‌آمیز خود در این عرصه هستند (Vassenberg, 2011: 246).

یکی از فعالیت‌هایی که از آغاز دسترسی به فضا تاکنون برای بشر مد نظر بوده بحث بهره‌برداری و استفاده تجاری از این منطقه از نظام هستی بوده است. معاهدات راجع به فضا در خصوص بحث بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو چه توسط دولت‌ها و چه توسط بخش خصوصی، به طور مستقیم مقررهای پیش‌بینی نکرده‌اند. فعالیت و استفاده از فضا یکی از راه‌های تجاری کردن آن به شمار می‌آید و کشورها نیز صراحتاً براساس رویه‌ای که تاکنون بوده است نسبت به فعالیت‌های فضایی مربوطه در امر تجاری کردن آن اعتراضی به عمل نیاورده‌اند با این حال در سال‌های اخیر سازمان‌های خصوصی در امر فضا رشد قابل‌ملاحظه‌ای داشته‌اند، اگرچه

حرف آخر در نظرات بر فعالیت‌های فضایی ملی و مشارکت در مسایل بین‌المللی بر عهده کشورهاست. (Hobe, 2010: 86)

تجاری‌سازی و خصوصی‌سازی فعالیت‌های خارج از جو این ضرورت را ایجاد می‌کند که عواقب آن فعالیت به عنوان دارایی‌های معنوی مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. از نظر حقوقی و براساس معاهدات مربوط به فضا، فضای ماورای جو یک منطقه میراث مشترک بشریت به شمار رفته و یکی از اصول اساسی حاکم بر این منطقه اصل عدم تملک و مالکیت خصوصی می‌باشد و به تبع آن این منطقه جزو حوزه کل بشریت است و تحت تملک انحصاری کسی در نمی‌آید. (Lockridge, 2007: 415) بنابراین با این وصف این سؤال قابل طرح است که رویکرد نظام حقوقی ماورای جو و معاهدات مرتبط با آن در خصوص فعالیت تجاری و بهره برداری تجاری از فضای ماورای جو و اجرام سماوی به وسیله بخش خصوصی چگونه است؟

در این نوشتار نگارنده به بررسی چهارچوب فعلی حقوقی ناظر بر فضای ماورای جو و این مساله که آیا این چهارچوب از بهره‌برداری تجاری از فضا توسط بخش خصوصی حمایت می‌کند یا نه خواهد پرداخت و نیز هدف از این پژوهش، ارزیابی وضعیت جاری مقررات فعالیت فضایی (در طرف اصلی) در برابر پیش‌زمینه‌های رو به پیشرفت جوانب تجاری‌سازی و برعکس می‌باشد.

۱- مفهوم، ماهیت و نظام حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو

۱-۱- مفهوم فضای ماورای جو

در ادبیات حقوق خارجی، واژگان outer space, space, air space وجود دارند. با توجه به فرهنگ آکسفورد (oxford, 2010: 25) منظور از دو واژه نخست، همان هوا یعنی سطح نخست بالای قلمرو خشکی یا آبی زمین بوده و مترادف می‌باشند؛ اما واژه اخیر صرفاً ناظر بر ماورای جو یعنی کره ماه و سایر کرات واقع در منظومه شمسی و دیگر منظومه‌ها (تا حد حصول دانش بشری و امکان حضور انسان یا ساخته‌های بشر) بوده و در ادبیات فارسی بدان فضا نیز اطلاق می‌شود که گاه حتی از آن به «فضای ماورای جو» یاد می‌گردد. با این حال مرز مشخص بین حدود هوایی و فضایی وجود ندارد. (cheristol, 1990: 347) واقعیت این است که مرزبندی دقیق مصداقی و عینی این واژگان به ظاهر مشخص، چندان دشوار است که نظم حقوق بین‌الملل نیز از عهده آن برنیامده و تبیین برخی حوزه‌های آن تعریف دقیق و کلی را به دلیل تازگی و نوپایی حقوق فضا، به آینده سپرده است. (Ibid) با این حال آنچه به عنوان وفاق مسلم دولت‌ها و دیگر بازیگران در حقوق بین‌الملل نمود یافته این است که فضا ماهیتی متفاوت

از هوا یا جو داشته و به همین دلیل حقوق ناظر بر آن‌ها به عنوان دو بخش مستقل در حقوق بین‌الملل تلقی می‌شود (ضیایی بیگدلی، ۱۳۸۸: ۳۷۴).

در دکتترین حقوقی، در خصوص تعیین حد و مرز دقیق فضا (فضای ماورای جو) از هوا یا جو و به طبع تعیین مفهوم فضای ماورای جو دیدگاه‌های فراوان و مختلفی وجود دارد و تعدد این دیدگاه‌ها نشان می‌دهد که دکتترین جامع و غالبی را نمی‌توان یافت که در مجموع می‌توان گفت: فضای ماورای جو عبارت است از فضایی که از آخرین نقطه‌ی محدوده‌ی هوایی فوقانی قلمرو هر کشور شروع می‌شود و شامل ماه و دیگر اجرام سماوی می‌گردد (صادقی، پیشین: ۱۳).

۱-۲- ماهیت حقوقی فضای ماورای جو

کلیه کشورها با این نظر موافق‌اند که ماهیت حقوقی فضای ماورای جو با ماهیت حقوقی جو متفاوت است؛ زیرا فضای جو با سه طبقه‌بندی متمایز خود، براساس حقوق معاهده‌ای، تحت حاکمیت کشور زیرین است و قلمرو هوایی آن کشور را تشکیل می‌دهد. درحالی‌که فضای ماورای جو و کرات آسمانی تحت حاکمیت هیچ کشوری نیست و کاوش و بهره‌برداری از آن برای کلیه‌ی کشورهای حال و آینده آزاد است. بنابراین، به هیچ‌وجه نمی‌توان قسمت‌های مختلف فضا را با قلمرو هوایی کشورها مقایسه کرد و تابع قواعد حقوقی معتبر آن دانست، بلکه باید قواعد حقوقی مناسب با این محیط جدید وضع گردد تا پاسخ‌گوی نیازهای واقعی جهان امروز باشد.

موضوعی که در اینجا مطرح است، تصمیم‌گیری در زمینه‌ی تعیین حد میان قلمرو هوایی (یا قلمرو کشوری) و قلمرو فضایی (قلمرو بین‌المللی) است، زیرا ماهیت حقوقی فضا بستگی تام به ماهیت طبیعی آن دارد. عده‌ای معتقدند که قلمرو هوایی تا جایی است که اکسیژن وجود داشته و بشر بتواند به حیات خود ادامه دهد و در مقابل، قلمرو فضایی از نقطه‌ای آغاز می‌گردد که زمین قوه جاذبه خود را از دست می‌دهد. امروزه این حد از نظر علمی بین ۱۵۰ تا ۲۰۰ مایل از سطح زمین متغیر است. با این حال نمی‌توان به طور دقیق حد میان قلمرو هوایی و قلمرو فضایی را مشخص نمود، زیرا اگر جو را از حیث طبیعی مورد مطالعه قرار دهیم، به این نتیجه خواهیم رسید که محدوده‌ی جو غیر مشخص و در مکان‌ها و فصول مختلف تغییرپذیر است. از سوی دیگر، حد معینی را نمی‌توان برای جاذبه‌ی زمین ذکر نمود، زیرا هر روزه با پیشرفت‌هایی که در زمینه‌ی صنعت هواپیماسازی و ساختن سفاین فضایی نصیب انسان

می‌گردد، این محدوده نیز تغییر می‌کند. (ضیایی بیگدلی، پیشین: ۴۲۲) بنابراین، لازم است کشورهای جهان طبق یک توافق بین‌الملل این حد را معین سازند. البته، در تعیین این حد به طور مسلم در مرحله اول فروض علمی را باید در نظر بگیرند، ولی نمی‌توانند ملاحظات نظامی و سیاسی را نیز مورد توجه قرار ندهند.

حال چنانچه مسأله تعیین حدود را کنار بگذاریم، به اصول کلی تری خواهیم رسید. آزادی کاوش و بهره‌برداری از فضا و اشغال و تصاحب فضای ماورای جو و کرات آسمانی غیرممکن و غیرقابل‌تصور است و هیچ کشوری نمی‌تواند در این خصوص ادعایی داشته باشد زیرا امنیت انبای بشر نمی‌تواند حاکمیت بر سیارات را بپذیرد. از طرف دیگر، نظریه‌ی «مالکیت مشترک فضا» مردود است، بدان علت که مشکل بتوان حاکمیت و یا به بیان دیگر، نوعی مالکیت یا حکومت مشترک را بر فضای ماورای جو تأیید نمود. در نتیجه تنها راه حل منطقی و عقلایی این است که این مناطق را به عنوان مناطقی در نظر بگیریم که به هیچ کس تعلق ندارد و اعمال صلاحیت‌های انحصاری کشورها نیز در این مناطق امکان‌پذیر نیست، (صادقی، پیشین: ۳۱) و موضوع حاکمیت سرزمین در مدت زمان اولیه نیز ابداً مورد نظر نباشد. در ضمن باید افزود که برای پرتاب سفینه‌های فضایی هیچ‌گونه اجازه‌ای از طرف کشورهایی که این سفینه‌ها از فراز قلمرو آنها عبور می‌کنند، لازم نیست.^۱ طبق گزارش‌های مخصوص سازمان ملل متحد که در سال ۱۹۵۹ (سال بین‌المللی جغرافیا) منتشر گردید، کلیه کشورهای جهان پذیرفته‌اند که پرتاب و پرواز سفینه‌های فضایی قانونی است. البته، استثنایی که در این گزارش به چشم می‌خورد، به ماده ۵۱ منشور مربوط است که به استناد آن هر گونه تجاوزی، حتی تجاوز به قلمرو فضایی کشورها، ممنوع است (همان: ۳۲).

۱-۳- نظام حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو

موضوع تدوین نظام حقوق حاکم بر فضای ماورای جو چند سال پس از پایان جنگ جهانی دوم، زمانی که نخستین قمر مصنوعی اتحاد جماهیر شوروی (سابق) به نام اسپوتنیک^۲ در اکتبر ۱۹۵۷ به فضا پرتاب شد- مطرح شد. پس از آن، نخستین قمر آمریکا (Explorer) در ۳۱

^۱ زمانی که اتحاد جماهیر شوروی سفینه اسپوتنیک را به فضا پرتاب کرد از هیچ یک از کشورهایی که این سفینه بر فراز قلمرو آنها عبور می‌کرد، اجازه نگرفت. همین یک رویه کافی بود تا در این خصوص یک قاعده عرفی شکل بگیرد، عرفی که امروزه از آن به عنوان عرف فوری، آنی یا انقلابی تعبیر می‌شود.

^۲ Sputnik

ژانویه ۱۹۵۸ به فضا پرتاب شد. در ۲۰ ژوئیه ۱۹۶۹ نیز فضانوردان آمریکایی به کره ماه راه یافتند. از پرتاب نخستین قمر مصنوعی در ۱۹۵۷ تا ۱۹۷۶ فعالیت‌های فضایی بشر بسیار چشمگیر بوده است به طوری که تعداد سفاین و وسایل فضایی پرتاب‌شده در این دو دهه، از دو هزار وسیله تجاوز می‌کند. (صغیرا، ۱۳۷۵: ۲۷) تا کنون کشورهای متعددی مانند آمریکا، روسیه، فرانسه، انگلستان، ژاپن، چین و برخی از سازمان‌های بین‌المللی مانند «آژانس فضایی اروپا»^۱ در زمینه پرتاب سفاین فعالیت داشتند. جالب توجه است که ضمن پرتاب سفاین، ماهواره‌ها و موشک‌ها از فراز کشورهای مختلف، هیچ یک از آن‌ها به پرتاب این وسایل اعتراض نکرده و چنین اقداماتی را مغایر با «حاکمیت» کشورها ندانستند. عدم اعتراض کشورها سبب شده تا «اصل آزادی فضا» به عنوان یکی از قواعد بنیادین حقوق فضا مورد شناسایی قرار گیرد. در خصوص شکل‌گیری قواعد حقوق فضا باید گفت که از لحاظ تاریخی مراحل شکل‌گیری و تدوین نظام حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو را به چهار مرحله می‌توان تقسیم کرد: مرحله اول، که با صدور قطعنامه‌ها و اعلامیه‌های مجمع عمومی سازمان ملل متحد آغاز شد. به عبارت دیگر، نخستین گام در جهت تدوین قواعد حقوق فضا توسط مجمع عمومی برداشته شد.

مرحله دوم که سال‌های ۱۹۶۷ - ۱۹۷۹ را در بر می‌گیرد به انعقاد پنج معاهده از جانب مجمع عمومی سازمان ملل متحد منجر شد. (معاهده فضا ۱۹۶۷، موافقت‌نامه نجات ۱۹۶۸، کنوانسیون مسئولیت ۱۹۷۲، کنوانسیون ثبت ۱۹۷۵، معاهده ماه ۱۹۷۹).

مرحله سوم تدوین قواعد حقوق فضا (۱۹۸۶ - ۱۹۷۹) را مرحله (رکورد قانون‌گذاری فضایی) می‌توان توصیف کرد زیرا در این مقطع تاریخی اختلاف نظر بین کشورهای توسعه‌یافته صنعتی در این زمینه به طور محسوس و مشهودی بروز کرده بود. به همین علت در این دوران فقط دو قطعنامه در مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید. قطعنامه راجع به «اصول حاکم بر پخش برنامه‌های ماهواره‌ای» (۱۹۸۲) و قطعنامه راجع به «سنجش از راه دور ماهواره‌ای» (۱۹۸۶). لازم به ذکر است که در این مرحله تا کنون قواعد حقوقی قابل توجهی در ارتباط با قلمرو فضایی و فعالیت‌های مربوط وضع نشده است.

^۱ European Space Agency

مرحله چهارم از ۱۹۸۶ به بعد دارای مشخصات خاصی است که مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از: الف) خصوصی‌سازی و تجاری کردن فعالیت‌های فضایی، ب) پیدایش سازمان‌های جدید فضایی، ج) تقویت همکاری کشورهای در حال توسعه در زمینه فعالیت‌های فضایی. حال با این اوصاف نظام حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو، شامل مقرراتی من جمله معاهدات، عرف بین‌المللی، اصول کلی حقوقی و مصوبات و رویه سازمان‌های بین‌المللی می‌باشد که البته به فراخور موضوع به برخی از آن‌ها ذیل مباحث پرداخته شده است.

۲- رژیم حقوقی حاکم بر فعالیت‌های تجاری بخش خصوصی از فضای ماورای جو

فعالیت‌های تجاری و بهره‌برداری تجاری از فضا به معنای استفاده از فضا برای مقاصد تجاری است که می‌تواند شامل استفاده‌هایی از قبیل ماهواره‌های ارتباطات از راه دور، سامانه موقعیت‌یاب جهانی و همچنین شامل فعالیت‌های انسانی در فضا از قبیل گردشگری فضایی، تولیدات مداری، دانش‌جاذبه‌ناچیز و تحقیق و توسعه است (tatsuzawa, 2010: 236).

به‌طور کلی در حقوق بین‌الملل فضا، رژیم حقوقی حاکم بر فعالیت‌های تجاری و بهره‌برداری تجاری از فضا توسط بخش خصوصی را باید در قالب نظام حقوقی حاکم بر فضا جستجو نمود. در این خصوص اصول کلی حقوقی و معاهدات بین‌المللی تا حدودی رژیم حقوقی مربوط به فعالیت‌های تجاری در فضای ماورای جو توسط بخش خصوصی را تبیین کرده‌اند که ذیلاً مورد بررسی قرار گرفته است.

۲-۱- اصول کلی حقوقی مرتبط با حقوق فضا

۲-۱-۱- اصل آزادی فضای ماورای جو

ماده ۱ معاهده‌ی فضای ماورای جو تصریح می‌کند: «فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام سماوی باید به سود و در جهت منافع همه کشورها بدون توجه به سطح توسعه یافتگی اقتصادی یا علمی آنان انجام پذیرد»، این ماده همچنین اعلام می‌دارد که «باید به همه نواحی اجرام آسمانی دسترسی آزاد وجود داشته باشد.» (نژندی منش، بابایی و یعقوبی، ۱۳۹۰: ۱۷)

اصل آزادی فضای ماورای جو شامل حق دسترسی آزادانه، حق کاوش آزادانه و نیز حق استفاده آزادانه هم می‌باشد که البته این آزادی فقط به کشورها داده می‌شود (cheng, 1983: 154).

در مذاکرات قطعنامه ۱۹۶۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد با نام «اعلامیه اصول حقوقی حاکم بر فعالیت‌های کشورها در ارتباط با اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو» شوروی

سابق پیشنهاد کرد تمامی فعالیت‌ها از هر نوعی که مرتبط با اکتشاف و استفاده از فضای ماورای جو باشد باید تنها توسط کشورها انجام شود. (Ibid) این پیشنهاد با این عقیده ارائه شد که اعطای حق دسترسی آزادانه به فضا به شرکت‌ها و بخش خصوصی باعث ترغیب این بخش به فعالیت‌هایی در این محدوده خواهد شد که می‌تواند کار را به دزدی فضایی (همانند دزدی دریایی) بکشاند. (tatsuzawa, op.cit: 242) این پیشنهاد توسط امریکا مورد پذیرش قرار نگرفت و نماینده امریکا با توجه به شباهت میان اصل آزادی دریاها با آزادی فضای ماورای جو بر این عقیده بود که «انسان‌ها باید آزاد باشند تا در فضا به کاوش بپردازند همانطور که در دریای آزاد این کار را انجام می‌دهند. بجز محدودیت‌هایی که توسط قواعد ملی یا بین‌المللی بر آنها حاکم است.» در سپتامبر ۱۹۶۳ نهایتاً شوروی پیشنهاد خود را پس گرفت و توافق صورت گرفت. (Ibid)

بر اساس ماده‌ی ۶ معاهده فضا، هر کشور برای فعالیت‌های دولتی یا غیردولتی و برای تطبیق موارد امنیتی چنین فعالیت‌هایی، مسئولیت بین‌المللی دارد و با توجه به مفاد معاهده‌ی فضا، فعالیت‌های فضایی بخش خصوصی، نیازمند اجازه و کنترل کشور مربوطه است. (نژندی منش، بابایی و یعقوبی، ۱۳۹۰: ۱۸) در نتیجه با لحاظ مفاد معاهده فضا و با توجه به اصل آزادی فضا، فعالیت‌های تجاری و بهره‌برداری تجاری از فضا توسط بخش خصوصی پذیرفته شده است ولی درعین حال پذیرش آن را محدود به مسئولیت دولت متبوع آن نهاد غیردولتی، کرده است.

۲-۱-۲- اصل منافع مشترک

در معاهده فضا ۱۹۶۷، واژه‌ی «بهره برداری و استفاده»^۱ در معنای اقتصادی و علمی استفاده شده است. در موافقت‌نامه ماه ۱۹۷۹ منظور از واژه «بهره برداری» نوعی از بهره‌برداری است که متضمن منافع اقتصادی باشد. (white, 2002:141) حال باید به این موضوع پرداخت که چگونه بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو با اصل منافع مشترک که فعالیت‌های فضایی را به عنوان خدمات عمومی بین‌المللی مشخص می‌کند، مطابقت دارد.

بند یک ماده‌ی ۱ معاهده‌ی فضا ۱۹۶۷ در خصوص اصل منافع مشترک اشعار می‌دارد که: «فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام سماوی باید برای استفاده و در جهت منافع همه کشورها بدون درنظر گرفتن سطح توسعه یافتگی علمی یا اقتصادی آنان انجام پذیرد و باید

¹ Exploration and Use

مورد انتفاع تمام بشریت باشد.» از نظرگاه حقوقی این به معنای تضمین «استفاده منصفانه از فضای ماورای جو» و همچنین جلوگیری از اختلال در منافع قانونی کشورها توسط کشورهای دیگر است که از طریق حقوق بین الملل حمایت شده است. تضمین استفاده منصفانه یعنی اینکه «فضای ماورای جو واقعاً به نفع همه‌ی کشورها و نه فقط یک کشور یا یک گروهی از کشورها مورد بهره‌برداری قرار گیرد. (chenj, op.cit: 422)

مشکل قانونی بودن فعالیت‌های فضایی این است که آیا ما باید اصل منافع مشترک را به عنوان یک تعهد الزام‌آور در نظر بگیریم یا اینکه به عنوان یک اعلامیه که نشان‌دهنده‌ی قصد و نیت کشورها بوده است، فرض کنیم. برخی اصل منافع مشترک را در جهت تحدید فعالیت‌های بخش خصوصی در راستای منافع بشریت توجیه کرده‌اند. پروفسور دتمرینگ در نظریه خود آورده است، استفاده‌ی تجاری فقط در صورتی پذیرفته است که تضمین شود هرگونه منافع احتمالی ناشی از این استفاده به همه‌ی اقشار بشر تعلق می‌گیرد. (Ibid)

دیگاه دیگر بر این عقیده استوار است که اصل منافع مشترک نباید حدود فعالیت بخش خصوصی را محدود کند. بر این مبنا پروفسور بکشتیگل معتقد است که اصل منافع مشترک نباید به عنوان مانعی بر سر راه استفاده‌ی تجاری از فضای ماورای جو توسط واحدهای خصوصی تفسیر شود. (white, op.cit:142) او با دو دلیل نظریه خود را توجیه می‌کند: ۱- نظراتی که اصل منافع مشترک را تعهدی الزام‌آور می‌خوانند مطابق با نظر اکثریت نیستند. ۲- دیگر مواد معاهده‌ی فضا ۱۹۶۷ مثل ماده‌ی ۶ و ماده‌ی ۹ به صورت واضح و مبرهن به مجاز بودن استفاده‌ی خصوصی از فضای ماورای جو اشاره می‌کند که به معنای استفاده‌ی تجاری توسط فعالیت‌های بخش خصوصی در یک نظام اقتصادی است.

در مجموع به نظر می‌رسد اصل منافع مشترک به طور کلی در مواجهه با مسائل ناشی از دنیای متغیر و پیچیده‌ی امروزی سودمند باشد. حتی در حقوق داخلی چنین عبارات کلی وجود دارد که به عنوان قاعده‌ی الزام‌آور حقوقی است. این اصل، مکمل اصل آزادی استفاده از فضای ماورای جو است، به طوری که جلوی هرگونه سو استفاده از حقوق را می‌گیرد. اصل منافع مشترک دربردارنده‌ی یک هدف کلی است که کشورها و به تبع شرکت‌های خصوصی نباید در فعالیت‌های فضایی خود از آن منحرف شوند و قاعده‌ی الزام‌آور حقوقی است و فعالیت‌های تجاری فضایی مطابق با این اصل هستند، البته تا جایی که به طور عمومی در جهت رفاه اجتماعی از طریق بالا بردن سطح استاندارد زندگی باشند.

۲-۱-۳- اصل مسئولیت

بر اساس ماده‌ی ۶ معاهده‌ی فضای ماورای جو ۱۹۶۷، کشوری که فعالیت‌های فضایی انجام می‌دهد، از نظر بین‌المللی مسئولیت دارد تضمین کند فعالیت‌هایش مطابق با مفاد معاهده‌ی فضای ماورای جو صورت می‌گیرد. به طور کلی، کشورها وظیفه ندارند که افراد خصوصی (متبوع خود) را خارج از مرزهای خود کنترل کنند. ولی امکان دارد که چارچوبی تعیین کنند که فعالیت‌های افراد را در خارج از کشور، توسط کنوانسیون‌ها تحت کنترل در آورد. (Gorove, 2001: 340)

مطابق با ماده‌ی ۳ معاهده‌ی فضا، فعالیت‌های یک کشور که در ارتباط با اکتشاف و بهره‌برداری از فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام سماوی است، باید مطابق با حقوق بین‌الملل شامل منشور سازمان ملل متحد باشد. این ماده تلویحاً احترام به قواعدی نرم را اعلام می‌دارد که قطعنامه‌های مجمع عمومی مطابق با منشور ایجاد می‌کند و یک کشور باید واحدهای غیردولتی خود را ملزم به رعایت این قواعد کند.

از سویی دیگر، مطابق با ماده ۶ معاهده‌ی فضا ۱۹۶۷، کشور مربوطه باید فعالیت‌های سازمان‌ها و شرکت‌های غیردولتی را در فضای ماورای جو شامل ماه و سایر کرات سماوی اجازه داده و نظارت کند و منظور از کشور مربوطه کشوری است که شرکت‌های غیردولتی تابعیت آن را دارند و هم شامل کشوری می‌شود که سرزمین و تأسیسات خود را در اختیار شرکت‌های غیردولتی برای انجام فعالیت‌های تجاری‌شان در فضا قرار می‌دهند. در نتیجه اصل مسئولیت بر طبق مفاد معاهده فضا در خصوص بخش خصوصی نیز پذیرفته و مدنظر قرار گرفته شده است و دولت مربوطه مسئولیت اقدامات بخش غیر دولتی و متبوع خود را بر عهده دارد.

۲-۲- معاهدات فضایی مرتبط

۲-۲-۱- معاهده‌ی اصول حاکم بر فعالیت‌های کشورها در استفاده و بهره‌برداری از فضای ماورای جو شامل ماه و دیگر اجرام سماوی^۱

این معاهده اولین محصول کمیته استفاده‌ی صلح‌آمیز از فضای ماورای جو (کوپوس)^۲ است که در سال ۱۹۶۷ تدوین شده است و اختصاراً به آن معاهده‌ی فضا یا معاهده‌ی فضای ماورای جو نیز می‌گویند.

¹ Treaty on Principle Governing the Activities of States in The Exploration and Use of Outer Space, including the Moon and Other Celestial Bodies.

² Committee On the Peaceful User of Outer Space(COPUOS)

مهم‌ترین مفاد این معاهده عبارت‌اند از: ۱- استفاده و بهره‌برداری از فضای ماورای جو باید به نفع همه‌ی کشورها صورت بگیرد (ماده ۱). ۲- فضای ماورای جو برای اکتشاف و استفاده‌ی همه‌ی کشورها، براساس اصل تساوی، آزاد است. ۳- فضای ماورای جو نباید با ابزار استفاده یا اشغال یا هر ابزار دیگری تحت ادعای حاکمیت، مورد تصاحب ملی قرار بگیرد (ماده ۲). ۴- فعالیت‌های که در فضای ماورای جو صورت می‌گیرد، باید مطابق با حقوق بین‌الملل، شامل منشور سازمان ملل متحد و در جهت حفظ صلح و امنیت بین‌المللی باشد (ماده ۴). ۵- کشورهای عضو معاهده برای فعالیت‌های خود دارای مسئولیت بین‌المللی هستند (مواد ۶-۸). در زمان تصویب معاهده‌ی فضای ماورای جو، تهیه‌کنندگان این معاهده ایده‌ای راجع به نقش استفاده‌کنندگان غیردولتی فضا و بهره‌برداری تجاری بخش خصوصی از فضا را نداشتن که موادی را اختصاصاً به این امر اختصاص دهند. با تفسیر مفاد ماده یک این معاهده برخی این نظر را دادند که واژه‌ی «استفاده» از فضای ماورای جو شامل استفاده‌ی تجاری نیز می‌شود و استخراج منابع که صراحتاً در بند ۲ ماده ۱ ذکر شده، بخش غیردولتی را نیز در بر می‌گیرد. (گلرو، محمودی، زرنشان و رضی پور، ۱۳۸۹: ۵۱).

با بررسی ماده ۲ معاهده فضا نیز باید گفت که این ماده تصاحب ملی و نه تخصیص بخش خصوصی را ممنوع می‌کند. به عبارت دیگر تضادی میان فعالیت‌های بخش خصوصی در فضای ماورای جو با آن چه در این ماده مشاهده می‌شود وجود ندارد. ممنوعیت تصاحب ملی از جمله تصاحب توسط واحدهای غیردولتی (واحدهای خصوصی خواه افراد یا شرکت‌ها) را نیز شامل می‌شود زیرا این یک فعالیت ملی است و هیچ کس نمی‌تواند ادعای مالکیت داشته باشد، نه دولت‌ها و نه شرکت‌ها و نه افراد. با این وجود فعالیت تجاری و بهره‌برداری تجاری من جمله حمل‌ونقل مداری یا زیر مداری به حقوق مالکیت نیازی ندارد. ماده ۸ معاهده‌ی فضا این چنین مقرر می‌دارد: یعنی حقوق مالکیت برای اشیاء از جمله سفائن، راکت‌ها، ماهواره‌ها و هر چیز دیگری که به فضا فرستاده می‌شود حفظ می‌شود که این شامل حجم وسیعی از تجارت بالقوه است و گردشگری مداری یا زیر مداری، حمل‌ونقل زیر مداری، عمران، نقاط لاگرانژ و حتی فرستادن سفائن و ساختارها به ماه و مریخ را شامل می‌شود. معاهده‌ی فضا بهره‌برداری از منابع را منع نمی‌کند بلکه هدف آن است که با فضا به مانند اموال کشور برخورد نشود. (Merges, 2008: 279)

با بررسی سایر مواد من جمله مواد ۴، ۶ و ۸ و امعان نظر به متن این مواد می‌توان گفت کشورها در قبال فعالیت‌های تجاری فضایی بخش خصوصی خود، مسئولیت بین‌المللی دارند. به

این ترتیب این مواد نیز محدودیتی برای فعالیت های تجاری و بهره‌برداری تجاری بخش خصوصی از فضای ماورای جو ایجاد نمی‌کنند و برای این فعالیت‌ها مسئولیت بین‌المللی دولت را پیش‌بینی می‌کنند.

۲-۲-۲- موافقت‌نامه راجع به نجات و بازگرداندن فضانوردان و اشیای پرتابی به فضای ماورای جو^۱

موافقت‌نامه نجات در سال ۱۹۶۸ به تصویب رسیده است. این موافقت‌نامه در حقیقت مشروح ماده ۵ معاهده‌ی فضای ماورای جو ۱۹۶۷ است. ماده ۱ این موافقت‌نامه، محدودی تعهدات کشور عضو را وسیع‌تر کرده و آن را حتی تا حد کمک به فضانوردان گسترش داده است. این ماده از کشورها می‌خواهد در زمان اضطراری یا زمان‌هایی که حادثه‌ای روی می‌دهد، نه تنها کشور پرتاب‌کننده را باخبر کنند، بلکه به دبیر کل سازمان ملل متحد نیز اطلاع دهند. مواد ۲ و ۳ در ارتباط با اقدامات عملی مرتبط با نجات و کمک به خدمه است. این مواد نیازی به توضیح ندارند به جز بندی که در ماده ۲ اعلام می‌کند: اگر کمک کشور پرتاب‌کننده در موثر کردن نجات فوری فضانوردان موثر باشد یا اگر به تأثیر جستجو و عملیات نجات کمکی کند، این کشور باید با کشور عضو معاهده با دیدگاه انجام عملیات جستجو و نجات تا آخرین حدی که در توانش است کمک کند.

بر اساس ماده ۲ در شرایط وقوع سانحه و مواقع اضطراری و شرایط مشابه و نیز در زمان فرود ناخواسته در سرزمین یک کشور عضو و نیز در زمان فرود در دریای آزاد یا هر جای دیگری که در قلمرو و صلاحیت هیچ کشوری نباشد، کمک باید ارائه شود.

ماده ۴ می‌گوید: پرسنل وسیله فضایی سانحه دیده یا در حالت اضطرار باید سریعاً و به نحو ایمن به نمایندگی کشور پرتاب‌کننده بازگردانده شوند. ماده ۵ نیز در ارتباط با کشف وسیله فضایی و اجزای آن بعد از وقوع سانحه است. (نژندی منش، بابایی و یعقوبی، پیشین: ۴۹) همانطور که عنوان شد معاهده نجات مشروح ماده ۵ معاهده فضا می باشد و وقتی که بر طبق مفاد معاهده فضا که مورد بررسی قرار گرفت، بخش غیر دولتی امکان فعالیت تجاری در فضای ماورای جو را دارد می توان گفت تمامی مواد فوق‌الذکر را می‌توان برای فضا نوردان

¹ Agreement on the Rescue of Astronaut, the Return of Astronauts and the Return of Objects Launched into Outer Space

بخش خصوصی نیز به کاربرد و در هیچ یک از این مواد، مقررهای به چشم نمی‌خورد که فضانوردان غیردولتی را در مواقع بهره‌برداری تجاری از فضا در بحران‌های فضایی، از دریافت کمک و حمایت منع کند.

۲-۲-۳- کنوانسیون راجع به مسئولیت بین‌المللی در قبال خسارات ناشی از اشیای فضایی^۱

کنوانسیون مسئولیت در سال ۱۹۷۱ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و دارای ۲۸ ماده می‌باشد. در مقدمه آن بر نیاز به ارتقای قواعد و رویه‌های بین‌المللی موثر در ارتباط با مسئولیت ناشی از صدمات ایجادشده توسط اشیای فضایی تأکید شده است و به طور دقیق خواهان تضمین پرداخت دقیق غرامت‌های قربانیان چنین خسارت‌هایی شده است. این کنوانسیون حداقل استانداردهای مسئولیت را برای فعالیت‌های پروازهای فضایی یا پرتاب‌های انجام گرفته ایی که باعث ایراد صدمه به تندرستی، اموال، محیط زیست ملل دیگری خارج از مرز و قلمرو کشورهای پرتاب کننده صورت می‌گیرد در نظر گرفته است. این معاهده مسئولیتی را برابر ماده ۲ آن معاهده برای سفینه فضایی که باعث ایراد خسارت به زمین یا به یک هواپیما که در حال عبور از کشور پرتاب کننده است حتی بدون اینکه تقصیری متوجه کشور پرتاب کننده باشد تعیین کرده است. اموال خسارت دیده بایستی بر طبق حقوق بین‌الملل و عدالت و انصاف به حالت اول درآید.

طبق ماده ۳ معاهده اگر یک سفینه فضایی با یک سفینه فضایی دیگر در فضا برخورد کند مسئولیت براساس قصور یا قصد مجرمانه و خسارات وارد شده بر طبق حقوق بین‌الملل تعیین می‌گردد. اگر کشور پرتاب کننده بخواهد به میزان خسارت وارده به کشوری که به آن خسارت وارد گردیده است اعتراض کند معاهده مسئولیت اظهار می‌دارد که هر دو کشور ابتدا باید از طریق راه‌ها و کانال‌های سیاسی مبادرت به حل قضیه نمایند و چنانچه به رضایت و یا راه حلی دست نیافتند کمیسیونی جهت حل این دعوی تشکیل خواهد شد.

مشکلی که ممکن است در این زمینه بروز کند این است که کدام کشور مسئول فعالیت‌های تجاری شرکت‌های خصوصی در فضا است؟ به عبارت دیگر اگر در اثر فعالیت شرکت‌های خصوصی در زمینه بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو خسارتی به وجود آمد، چه شخصی مسئول خسارت می‌باشد. در جواب باید گفت که با توجه به مواد کنوانسیون مسئولیت و با توجه

¹.Convention on International Liability for Damage Caused by Space Objects

به اینکه فعالیت بخش خصوصی در زیرمجموعه نهادهای دولتی صورت می‌گیرد و بر طبق ماده ۶ معاهده فضا فعالیت‌های انجام شده در فضا چه توسط دولت‌ها و چه توسط بخش خصوصی صورت گیرد، دولت مربوطه مسئول می‌باشد، در خصوص مسئولیت، کشور مرتبط مسئول است و منظور از کشور مرتبط می‌تواند هم کشور پرتاب‌کننده و هم سازنده‌ی ماهواره و حتی کشور متبوع شرکت خصوصی سازنده‌ی ماهواره باشد و در نتیجه مفاد معاهده مسئولیت در خصوص فعالیت‌های تجاری بخش خصوصی نیز جاری است. (صادقی، پیشین: ۴۷)

۲-۲-۴- کنوانسیون ثبت اشیای پرتاب‌شده به فضای ماورای جو^۱

این کنوانسیون در سال ۱۹۷۵ به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید و ریشه‌های آن به معاهده‌ی فضای ماورای جو ۱۹۶۷ می‌رسد و در واقع شرح ماده‌ی ۸ آن می‌باشد.

کارکردهای عمده‌ی این کنوانسیون عبارت‌اند از: ایجاد یک روش ثبت کامل و مناسب برای شناسایی دقیق و به حداقل رساندن اشتباه اشیای فضایی کشورهای مختلف با یکدیگر، که برای شناسایی اشیای فضایی منتقل‌کننده تسلیحات کشتار جمعی به مدار، موثر است و دیگر اینکه بدون وجود یک نظام جامع برای ثبت، نمی‌توان شی فضایی واردکننده‌ی خسارت را شناسایی کرد.

با ورود بخش خصوصی به فعالیت‌های فضایی و مخصوصاً فعالیت‌های تجاری و ازدیاد این‌گونه فعالیت‌ها، با استفاده از فحوی کنوانسیون ثبت و از آن جمله مقدمه معاهده که عنوان می‌کند با یادآوری مفاد معاهده فضا و کنوانسیون مسئولیت و قائل شدن به مسئولیت برای کشور ثبت‌کننده (نژندی منش و همکاران، پیشین: ۴۱) و با توجه به اینکه طبق مفاد معاهده فضا (ماده ۶) در خصوص فعالیت‌های بخش غیردولتی، دولت مرتبط (دولت ثبت‌کننده) مسئولیت دارد، باید رژیم حقوقی ثبت اشیای پرتابی مندرج در کنوانسیون ثبت را برای پرتاب‌های بخش خصوصی نیز به کاربرد.

۲-۲-۵- موافقت‌نامه حاکم بر فعالیت‌های کشورها در ماه و دیگر اجرام سماوی^۲

^۱Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space

^۲Agreement Governing the Activities of States on the Moon and Other Celestial Bodies

این موافقت‌نامه که اختصاراً به آن موافقت‌نامه ماه نیز می‌گویند در سال ۱۹۷۹ و به دنبال معاهده‌ی فضای ماورای جو و باهدف اینکه ماه و دیگر اجرام سماوی را نیز مشمول رژیم حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو کند، به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل متحد رسید. همانند معاهده‌ی فضای ماورای جو، این موافقت‌نامه هم به این اصل اشاره می‌نماید که ماه نمی‌تواند تحت حاکمیت ملی هیچ کشوری قرار گیرد (بند ۲ ماده ۱۱). کلیه کشورها در انجام تحقیقات روی اجرام سماوی از حقوق مساوی بهره‌مند هستند و نتیجه تحقیقات و دستاوردهای علمی به دست آمده توسط هر کشور باید برای استفاده علمی، در معرض استفاده همه‌ی کشورها و مؤسسات علمی قرار گیرد. (صادقی، پیشین، ۱۱۹)

در این موافقت‌نامه برای اولین بار منابع فضا به عنوان «میراث مشترک بشریت» اعلام شده و هرگونه حقوق مالکانه در ارتباط با این منابع ممنوع اعلام می‌شود. به این معنا که منابع طبیعی فضا، مشترک برای همه‌ی دولت‌ها بوده و باید به طور مساوی و به نفع همه‌ی بشریت توزیع شود.

ماده‌ی ۱۲ این موافقت‌نامه، بازگویی ماده‌ی ۸ معاهده‌ی فضای ماورای جو می‌باشد که صلاحیت کشورها را روی پرسنل و سخت‌افزار خود، شناسایی می‌کند. به همین ترتیب نیز می‌توان گفت همین ماده اداره فعالیت‌های {تجاری} بخش خصوصی را نیز به کشورهای مرتبط واگذار می‌کند. همین‌طور ماده‌ی ۱۴ این موافقت‌نامه مبحث مسئولیت بین‌المللی دولت را پیش می‌کشد که باز هم می‌توان آن را برداشتی از مواد ۶ و ۷ معاهده‌ی فضای ماورای جو دانست که کشورها را برای فعالیت‌های {تجاری} بخش خصوصی از نظر بین‌المللی مسئول می‌داند.

البته شایان ذکر می‌باشد که موافقت‌نامه ماه با مخالفت کشورهای که موافق فعالیت و اکتشافات معدنی در فضا بودند مواجه شد و هیچ‌گاه توسط کشورهای اصلی و پیشرو در عرصه فضا مثل آمریکا و شوروی (سابق) امضا نشد.

نتیجه‌گیری

ورود انگیزه‌های تجاری به حیطه‌ی فعالیت‌های فضایی موجب شد که حقوق‌دانان دامنه‌ی مقررات حقوقی فضایی دولت محور را به حوزه‌ی فعالیت‌های تجاری و حضور اشخاص خصوصی در فعالیت‌های فضایی نیز سرایت دهند. این جریان همچنین منجر شد تا حقوق دانان در صدد تعریف و تشریح مجدد مفاهیم و اصول حقوق فضا در این خصوص بپردازند. از آنجا که استفاده

از حداکثر قابلیت فضای ماورای جو از جمله ارتباط از راه دور، سنجش از دور، دریاوردی ماهواره‌ای و تورسیم فضایی منجر به مطرح شدن مباحث تجاری شده است، لذا این سوال مطرح شد که نظام حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو به تجویز فعالیت‌های تجاری بخش خصوصی یا همان عاملان غیر دولتی در فضای ماورای جو پرداخته است یا خیر؟.

در پاسخ باید گفت که رژیم حقوقی حاکم بر فعالیت‌های تجاری بخش خصوصی در فضای ماورای جو را باید در قالب نظام حقوقی حاکم بر فضا جستجو نمود. با توجه و بررسی نظام حقوقی حاکم بر فضای ماورای جو (معاهدات و اصول کلی حقوقی) از آن جمله مواد ۱، ۳ و ۶ معاهده فضا که اصل آزادی کاوش، فعالیت و بهره‌برداری از فضا و از آنجمله فعالیت و بهره‌برداری تجاری را به شرط مورد لحاظ قرار دادن اصل منافع مشترک تمامی بشر مورد پذیرش قرار داده است، به همراه مواد ۱، ۲ و ۳ کنوانسیون مسئولیت و ماده ۶ معاهده فضا که مسئولیت اقدامات عاملان غیر دولتی در فضا را با کشور مربوطه دانسته است و نیز با بررسی مواد کنوانسیون نجات مثل مواد ۱، ۲، ۳، ۴ و ۵ این موافقت نامه که بحث اقدامات عملی برای نجات فضانوردان حادثه دیده را مطرح می‌کند و عملاً تمایزی بین فضانوردان بخش دولتی و خصوصی قائل نمی‌شود و نیز با تحلیل مفاد موافقت نامه ماه که بحث آزادی فعالیت و بهره‌برداری به همراه اصل میراث مشترک بشریت را مطرح می‌کند و ماده ۱۲ این موافقت نامه که بحث صلاحیت کشورها بر اداره فعالیت‌ها و پرسنل خود را به صورت کلی عنوان می‌کند و تفاوتی بین فعالیت تجاری و غیر تجاری و بخش دولتی و غیر دولتی قائل نشده است، باید گفت که این مقررات به طور مستقیم به فعالیت و بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو توسط بخش خصوصی نپرداخته اند بلکه تلویحاً فعالیت تجاری و از آن جمله بهره‌برداری تجاری توسط بخش خصوصی را در عرصه فعالیت تجاری و بهره‌برداری تجاری در فضای ماورای جو، در زیرمجموعه اقدامات دولتی مورد پذیرش قرار داده‌اند.

البته شایان ذکر می‌باشد که با بررسی این معاهدات و اصول کلی حقوقی، فعالیت تجاری و بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو توسط بخش خصوصی با موانع و محدودیت‌هایی مواجه بوده که از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: ۱. بهره‌برداری تجاری باید در قالب استفاده صلح‌آمیز باشد. (ماده ۱ معاهده فضا) ۲. بهره‌برداری تجاری توسط بخش خصوصی باید در زیرمجموعه نهادهای دولتی و تحت نظارت دولت مربوطه باشد. (ماده ۶ معاهده فضا و مواد ۱۲ و ۱۴ موافقت نامه ماه) ۳. بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو توسط بخش خصوصی باید با

لحاظ اصل عدم تملک فضا باشد. (بند ۲ ماده ۱۱ معاهده فضا) ۴. بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو باید با لحاظ اصل منافع مشترک تمام بشریت باشد. (ماده ۴ موافقت نامه ماه) از این رو و در نتیجه در جهت گیری نظام حقوق فضا تغییرات مهمی ایجاد شده است که از آنجمله می‌توان به تجویز فعالیت های تجاری و بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو و مسائل حقوقی مرتبط با آن و صدور مجوز برای عاملان غیر دولتی در عرصه ی فضای ماورای جو یاد کرد که می‌توان آن را بخشی از نظم نوین جهانی دانست.

منابع و مأخذ

- فارسی

۱. خسروی، مجید، مقایسه اصول حاکم بر هوا و فضا، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۱۳۸۶.
۲. روحانی، کارن، استفاده‌ی صلح‌آمیز از فضای ماورای جو، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق، دانشگاه آزاد، واحد تهران مرکز، ۱۳۸۵.
۳. صغیرا، محسن، آزادی فضای ماورای جو و حاکمیت دولت‌ها در حقوق بین‌الملل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته‌ی حقوق بین‌الملل، دانشکده‌ی حقوق، دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز، ۱۳۷۷.
۴. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق معاهدات بین‌المللی، چاپ سوم، گنج دانش: تهران، ۱۳۸۵.
۵. ضیایی بیگدلی، محمدرضا، حقوق بین‌الملل عمومی چاپ بیست و چهارم، گنج دانش: تهران، ۱۳۸۸.
۶. صادقی، مرتضی، تجاری‌سازی و بهره‌برداری تجاری از فضای ماورای جو از منظر حقوق بین‌الملل، رساله‌ی دکتری، رشته‌ی حقوق بین‌الملل عمومی، دانشکده‌ی علوم انسانی و حقوق، دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان، ۱۳۹۶.
۷. گلرو، علی‌اکبر، شهرام زر نشان، سید هادی محمودی، فریبا رضی پور، خصوصی‌سازی فعالیت‌های فضایی، چاپ اول، پژوهشکده‌ی هوافضا: تهران، ۱۳۸۹.
۸. نژندی منش، هیبت الله، یوسف بابایی، اسماعیل یعقوبی، مجموعه اسناد حقوق بین‌الملل فضایی، انتشارات خرسندی: تهران، ۱۳۹۰.

- English References

9. Agreement on the Rescue of Astronaut, the Return of Astronauts and the Return of Objects Launched into Outer Space, (1968).
10. Cheng, B, "The Moon Treaty: Agreement Governing the Activities of States on the Moon and Other Celestial Bodies within the Solar System other than the Earth", December 18, 1979. 33CLP. (1980)
11. Cheng, B, "The legal Status of Outer Space and Relavent Issues: Delimitation of Outer Space and Definition of Peacefull Use", 11ISL, 1983

12. Cheristol, Carl Q (1990). "Outer space Exploitability, International Law and Developing Nation" Space Policy Journal, VOL. 6 (1990).
13. Convention on International Liability for Damage Caused by Space Objects, (1972).
14. Convention on Registration of Objects Launched into Outer Space, (1975).
15. Hobe, Stephan, "The Legal Regime for private space tourism activities-An overview", Acta Astronautica, Vol. 66, 2010.
16. Irmgard Marboe, the state of the art and recent trend in the development of national space law. an overview. conference: national space law development in europe-challenges for small countries 21 and 22 september 2006, Graz (Austria)
17. Grove Sh, "Sovereignty And The Law Of Outer Space In International Space Law", Air And Space Law Journal, 2001
18. Lockridge, Lee Ann, « Intellectual Property in Outer Space Exclusive Rights in Databases ». Journal of Ssrn, 2007.
19. Merges, Robert, "Outer Space: Problems of Law and Policy", Boston University Publication, 2008.
20. Oxford Advanced Learner's Dictionaries, (2010) Oxford
21. Tatsuzawa Kunihiro, "The Regulation of Commercial Space Activities by Non-governmental Entities in Space Law", martinus nijhoff, 2010.
22. Treaty on Principle Governing the Activities of States in The Exploration and Use of Outer Space ,including the Moon and Other Celestial Bodies, 1967.
23. Verschoor, Diederiks, "an Introduction to Space Law", second edition. oxford press, 1999
24. Wassenberg, H. A, principles of Outer Space, martinus nijhoff, 2011.
25. Wayne White, "the legal regime for private activities in outer space", free market frontier" cato institutu, 2002.
26. [www.oosa.unvienna.org/space law/treates.html](http://www.oosa.unvienna.org/space%20law/treates.html)